

برنام‌خواند جان و سرود

در آثار مولوی
زلیخا ثقفی



سرشناسه	: ثقفی، زلیخا، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: تجلی زن در آثار مولوی / مولف زلیخا ثقفی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر باد، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۴ ص.
شابک	: ۱۵۰۰۰ ریال: 978-600-6527-12-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق. - شخصیت‌ها - زنان
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۷ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	: زنان در ادبیات
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲۵۳۰۷P1R / ۹۰۷ز
رده بندی دیوبی	: ۳۱/۱۹۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۶۳۱۸۳۴



تلفن: ۶۶۹۵۵۴۴۱ - ۰۶۸ ۱۹۱۱۳۳۱۳

تجلی زن در آثار مولوی

مؤلف: زلیخا ثقفی

نوبت چاپ: نخست ۱۳۹۳ * شمارگان: ۷۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان * شماره نشر: ۱۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۲۷-۱۲-۳

© حق چاپ: ۱۳۹۳، نشر باد

فهرست

صفحه	عنوان
۷	● پیشگفتار.....
۱۱	● بخش اول: کلیات.....
۱۲	۱. سیمای زن در اسلام و قرآن.....
۲۵	۲. سیمای زن در ادب فارسی.....
۳۶	۳. سیمای زن در عصر مغول.....
۴۰	۴. سیمای زن در عرفان.....
۴۹	● بخش دوم: جلوه‌های زن در آثار منشور مولوی.....
۵۰	۱. اندیشه مولوی.....
۵۳	۲. نظری بر مناقب العارفین.....
۵۷	۳. فیه مافیه.....
۶۲	۴. مکتوبات.....
۶۸	۵. مجالس سبعه.....
۷۹	۲. همراه با تفاسیر.....
۷۹	حضرت مریم:.....
۸۴	مادر حضرت موسی (ع):.....
۸۸	همسر حضرت موسی (ع):.....
۸۸	آسیه.....

- زلیخا: ۸۹
- زُهره (در داستان هاروت و ماروت): ۹۳
- بلقیس: ۹۵
۳. زنان بدگش: ۱۰۲
- همسر ابولهب: ۱۰۲
- همسر نوح (ع): ۱۰۳
- همسر شیخ خرقانی: ۱۰۴
۴. یاورداشتها: ۱۱۰
- ایده‌های منفی: ۱۱۰
- نأسراها: ۱۲۲
- معمای ازدواج: ۱۲۲
- برابری در نزد حق: ۱۲۵
۵. رمز و تمثیل: ۱۳۰
- نفس: ۱۳۰
- نفس، زن و شیطان: ۱۳۷
- زن و زمین: ۱۴۱
۶. داستانی از رمز و تمثیل: ۱۴۶
- أعرابی (تقابل عقل و نفس): ۱۴۶
- جفت بودن پدیده‌ها: ۱۴۹
- غلبه بر عاقلان: ۱۵۶
۷. داستانهای رمزی: ۱۶۸
- شاه و کنیزک: ۱۶۹
- شاهزاده و جادوگر (زن و دنیا): ۱۷۲
- قلعه ذات الصّور: ۱۷۶
۸. زیر پای مادران باشد جهان: ۱۸۳

۱۸۳	ارزش مادر:
۱۸۷	شخص مادرکش:
۱۸۸	نط و مرغ خانگی:
۱۹۰	بازو کمپیک:
۱۹۲	خورندگان پیل بچه:
۱۹۴	شیخ و مرگ فرزندان:
۱۹۵	زن و مرگ فرزندان:
۱۹۶	کدبانو و نخود:
۱۹۸	کزه اسب و مادرش:
۱۹۹	کودک نصرانی و آتش:
۲۰۰	ولادت کودکان:
۲۰۲	زن کافر و طفل شیرخوار:
۲۰۳	کودکی که بر ناودان رفت:
۲۰۴	ناقه و مجنون:
۲۰۶	سلطان محمود و غلام هندو:
۲۰۷	اختلاف پدر و مادر:
۲۰۸	کودک، مادر و خیال:
۲۱۲	۹. باغ عشق:
۲۱۲	خسرو و شیرین، ویس و رامین، وامق و عذرا:
۲۱۴	لیلی و مجنون:
۲۱۷	عاشق ناپخته:
۲۱۸	عاشقی دراز هجران:
۲۲۳	۱۰. هزل یا تعلیم:
۲۲۳	چرا هزل؟:
۲۲۴	صوفی و زن او:
۲۲۵	زن و امرودین:

۲۲۶		خاتون و کنیزک:
۲۲۶		زاهد و کنیزک:
۲۲۷		چادر پوشیدن جوخی:
۲۲۸		پدر و دختر:
۲۲۸		خلیفه و کنیزک پادشاه موصل:
۲۲۹		غلام هندو و خداوندزاده:
۲۳۰		پادشاه و دانشمند:
۲۳۱		زن جوخی و قاضی:
۲۳۲		مجوزۀ کابلی:
۲۳۳		مرد و انبوه دختران:
		۱۱. نوادر
۲۳۷		مؤذن زشت آواز:
۲۳۸		مهمان و صاحب خانه:
۲۴۰		زن و علاق:
۲۴۱		کودکان و معلم:
۲۴۳		عبدالغوث:
۲۴۴		نصوح:
۲۴۵		زن و مگر به:
۲۴۹		۱۲. نوعی برایی؟!:
		کتابنامه

پیشگفتار

گر بربری بحر را در کوزه‌ای چند گنجد؟ قسمت یک روزه‌ای

هر زمان که به دریای بیکران مثنوی گام نهی، در برابر عظمت آن و آفریننده‌اش «فَتَبَارَكَ اللَّهُ...» گویان سر تعظیم فرودخواهی آورد و از ایزدخواهی خواست تا جرعه‌ای از آن آب حیات در کامت بریزد، مگر قربی حاصل شود!! ولی چه جای جرعه که با جام‌های نیز عطش فرو نمی‌نشیند و «هَلْ مِنْ مَزِيدٍ» گویان در پی جام‌های دیگر است.

حال، «محرم این هوش» چه کسی است؟ آیا نباید راز آشنا بود و محرم؟ تا بتوان از آن دریا در معنی برداشت و به ساحل کلام آورد؟ و اینجاست که زبان گرم و گیرای مولوی، که از عواطف الهی او مایه می‌گیرد، به یاری برخاسته و چونان ساقی خوش تراش پیمانه‌های معنی را به دستان نیازمند خواهد سپرد و اکنون این تو هستی که... می‌توانی بادپیمایی یا باده...!

وقتی به قصد نوشتن جزوه‌ای، مثنوی را برگزیدم و شروع به کار کردم، هنوز قدمهای آغازین را برنداشته بودم که احساس ناامیدی و شکست در من ایجاد شد که خوشبختانه با سخنان فرزانه‌ای دلسوز و کارآشنا و دلگرمیهای بیدریغ ایشان، دوباره جرأت کار یافته و تصمیم گرفتم که به هر شکل ممکن این کار را به انجام برسانم.

هدف بنده از انتخاب موضوع، جلوه‌های زن در مثنوی و آثار منشور مولانا، این بود که بتوانم چهره زن در نقشهای مختلف زندگی اعم از مادر، خواهر، همسر و... را در آثار عرفانی معرفی نمایم. چرا که این شناخت، موجب خواهد شد تا زنان که چون گوهری در صدف روزگاران نهان

گشته‌اند، از پیشینه‌ی فرهنگی - عرفانی خود اطلاع حاصل نمایند، زیرا مسلم است بدون شناخت گذشته، راه آینده را نمی‌توان سپرد.

مثنوی از جمله منابعی است که در سفره‌ی متاع ارزنده‌ی آثار عرفانی از درخشنده‌ترین گوهرهاست، امیدوارم که با کاوش در آن به قسمتی از هدف خود رسیده باشم. اما راه طولانی است و رهسپار جاهل با این همه:

دوست دارد یار این آشفته‌گی کوشش بیهوده، به از خفتگی
با وجود قلت مایه، تنها به یاری و فضل خدا و راهنماییهای ارزنده‌ی اساتید
دانشمند، پای در راه نهادم تا بتوانم شخصیت زن را از نظر مولوی معرفی
نموده، برغنای فرهنگی زنان بیفزایم.

باید بگویم زن از ابتدا شریک شکایت جاودانه‌ای می‌گردد که نی در
مثنوی آغاز می‌کند و چه بسا که زن هم شاکی است و هم نالان!!

او در حکایت بی‌پایان نی نیز انباز گشته، چرا که از گذشته‌ی اندوهبار و
سراسر اسارتش باید حکایتها گوید و لمحهای از آن را در مثنوی بیابد، بازتابی
از فرهنگ فئودالی دوران مولوی! و باید بنالد، زیرا از همان آغاز، بعد از
جدا شدن از نیستان، او را با تیرهای مکر و کید، همراهی با شیطان و فریب
آدم، آماج هدفهای خود قرار داده و حقیرش نموده‌اند. آیا نمی‌توان ردپایی
از این تیرها را در مثنوی یافت؟

مولانا کسی است که یک هدف بیشتر ندارد و آن ساختن انسان کامل
است ولی او کارخانه‌ی تغییر است و ابزاری که به کار می‌گیرد و تصویرهایی که
می‌سازد، متفاوت به نظر می‌آید. زمانی «خالق است او گویا» سر می‌دهد و
گاهی «اول و آخر هبوط» را به زن نسبت می‌دهد. پس حکایت و شکایت زن
در جلوه‌های گوناگونی خود را می‌نمایاند تا مستمعان چه دریابند!

آیا خواهند توانست پوسته‌ی رمز، تمثیل، هزل و... را از روی قصه‌ها
برداشته و به دانه‌ی معنی دست یابند. یا در همان ظاهر متوقف خواهند شد؟ اگر
چنین است پاسخ ناله‌ی زن و شکایت آنان را چه کسی خواهد داد؟

زمانی که به آینهٔ مثنوی می‌نگریم تا چهرهٔ زن را در آن ببینیم، متوجه می‌شویم که او در نقشهای مختلف جلوه می‌کند که تمثیل و رمز یکی از آنها است، شخصیت زن در تفاسیر و روایات دینی، همچنین به عنوان مادر، همسر و... خود را جلوه‌گر ساخته است که دربارهٔ هر یک به تناسب بحث خواهد شد.

در پایان باید اعتراف کنم که نتوانسته‌ام، آنچنان که در خور کتاب مثنوی و شخصیت والای زن می‌باشد، حق سخن را ادا نمایم تا بتوانم تلاشهای خستگی‌ناپذیر استادان عزیزم را جبران کنم، و از این بابت ضمن پوزش، امید پذیرش و تأیید فرهیختگان فرزانه‌ای را دارم که زحمت راهنمایی و مشاورت حقیر به عهدهٔ ایشان بوده.

مؤلف